



جایگاه حقوق بشر اسلامی در ارتقای حقوق شهروندی و اصل دفاع در نظام بین الملل

علی‌رضا افشاری‌وقار
وکیل پایه یک دادگستری



دکتر مرتضی اشرفی
مدرس دانشگاه



چکیده

حقوق بشر اسلامی نقشی کلیدی در ارتقای حقوق شهروندی در جوامع اسلامی ایفا می‌کند. این حقوق بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی تنظیم شده‌اند و تأکید ویژه‌ای بر عدالت، کرامت انسانی و مساوات دارند. در چارچوب حقوق بشر اسلامی، حقوق و مسئولیت‌های افراد به صورت جامع‌تر و همراه با ارزش‌های دینی و اخلاقی تعریف می‌شود. در مقاله حاضر بررسی و تبیین جایگاه حقوق بشر اسلامی در ارتقای حقوق شهروندی و اصل دفاع در نظام بین‌الملل می‌پردازیم؛ هدف از این پژوهش، گسترش ادبیات حقوق بشر اسلامی در حوزه حقوق بین‌الملل بشر و توجه به آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی اجرای آن در راستای ارتقای حقوق شهروندی است. مقاله حاضر به دنبال بررسی ابعاد حقوق بشر اسلامی و محدودیت‌های ناظر بر آن در پرتو آموزه‌های حقوق شهروندی است، این که منزلت حقوق بشر اسلامی در نظام بین‌المللی حقوق بشر کجاست؟ و چگونه می‌تواند در ارتقای حقوق شهروندی تأثیر گذار باشد؟ پرسش کلیدی پژوهش‌گران این نوشتار است که بدان پاسخ داده شده است. در این نوشتار با تمرکز بر مباحث و مبانی حقوق بشر اسلامی از یک سو و اعلامیه جهانی



حقوق بشر از سوی دیگر به عنوان مهم‌ترین سند مدون نظام بین‌المللی بشر، به بررسی و تبیین جایگاه حقوق بشر اسلامی در ارتقای حقوق شهروندی و اصل دفاع در نظام بین‌الملل پرداخته شده است. حقوق بشر اسلامی با بهره‌گیری از اصول عدل، انصاف و احترام به کرامت انسانی، تلاش می‌کند تا حقوق شهروندی افراد را تضمین کند. این حقوق شامل آزادی‌های اساسی، امنیت، برخورداری از فرصت‌های برابر و حمایت از حقوق اجتماعی و اقتصادی است. همچنین، حقوق بشر اسلامی بر اهمیت احترام به حقوق دیگران و همکاری در جامعه تأکید دارد و این امر منجر به ایجاد تعادل و انسجام اجتماعی می‌شود. در نهایت، حقوق بشر اسلامی به عنوان یک چارچوب اخلاقی و دینی، می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق شهروندی و ارتقای سطح زندگی افراد در جوامع اسلامی کمک کند. این چارچوب با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، راهکاری مؤثر برای ایجاد جوامعی عادلانه و همبسته ارائه می‌دهد. شناخت دقیق چنین حقی، نیازمند توسعه دسترسی و استیفای افراد به اطلاعات و دفاع از آن‌ها است. روشی که در مقاله حاضر استفاده شده است، روش توصیفی و تحلیلی بر مبنای منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است.

کلمات کلیدی: حقوق بشر اسلامی، حقوق شهروندی، اصل دفاع، روابط بین‌الملل، نظام بین‌المللی حقوق بشر.

۱- مقدمه

حقوق بشر اسلامی به عنوان یکی از اصول بنیادین نظام‌های حقوقی در جوامع اسلامی، نقش مهمی در تعیین و تضمین حقوق و وظایف شهروندان دارد. این حقوق بر پایه تعالیم و آموزه‌های اسلام استوار است و تأکید ویژه‌ای بر عدالت، کرامت انسانی و مساوات دارد. در دهه‌های اخیر، توجه به حقوق بشر اسلامی و تطبیق آن با مفاهیم مدرن حقوق بشر، به یکی از موضوعات مهم و مورد بحث در محافل علمی و اجتماعی تبدیل شده است. از سالیان دور موضوع حقوق بین‌الملل یکی از مسایل مهم و مبتلا به جوامع بشری بوده و فعالیت‌هایی در جهت تامین آن از سوی افراد و گروه‌ها و حکومت‌ها صورت گرفته



است. (ثریایی، ۱۳۸۲) تدوین اعلامیه‌ها و میثاق‌ها و معاهدات و تشکیل سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی بخشی از این اقدامات است. (صابری، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۹)

هیچ مجموعه معتبری از حق‌ها وجود ندارد که به لحاظ سیاسی بی‌غرض باشند: در یک جهان لادری، حق‌ها نمی‌توانند چیزی جز سازه‌های قانونی باشند که دائماً به مفاهیم جایگزینی از مصلحت سیاسی باز می‌گردند. در هر تضاد اجتماعی، ادعاهای طرف‌های مخالف را می‌توان مطالبات حق‌ها دانست: حق آزادی من در برابر حق امنیت شما. مرزهای آزادی و امنیت در راستای فرضیات فرهنگی و سیاسی در مورد ارزش‌هایی ترسیم می‌گردند که یک جامعه خوب ترجیح می‌دهد و فرایندی که از طریق آن جنبه‌ای از واقعیت در غالب حق‌ها مشخص می‌گردد، توسط هیچ یک از ماهیات ضروری آن موضوع نیز تعیین نمی‌گردد. این یک موضوع مربوط به رجحان سیاسی است: تنها تصورات خاصی از زندگی خوب، شایستگی برخورداری از حمایتی را دارد که حق مستلزم برخورداری از آن است. به علاوه زبان حقوق از جهاتی غیر دقیق و نامشخص است، که به دغدغه‌های سیاسی باز می‌گردد. حتی حق اساسی مانند حق حیات مستقل از شیوه تفسیر آن توسط مراجع ذیربط، بی‌معناست و مانند تمام قواعد حقوقی، حقوق بشر [نیز] مواردی را در بر می‌گیرد که ما نمی‌خواهیم و مواردی را نیز که ما فکر می‌کنیم باید در بر می‌گرفت، شامل نمی‌شود. بر همین اساس، حقوق همواره باید با استثنائاتی همراه باشد. اما دامنه و معیار کاربرد این استثنائات هرگز به روشنی تعریف نگردیده‌اند. در معاهده اروپایی حقوق بشر، رابطه بین حقوق و قدرت کاهش آن‌ها منوط به چیزی است که در یک جامعه دموکراسی ضروری خوانده می‌شود قطعاً یک معیار که دارای بار موقعیتی و سیاسی است. پس حقوق محصول یک جامعه سیاسی است. (پتمن، ۱۳۹۸: ۱۲۳-۱۵۰)

به دلیل آنکه حقوق بشر از دو واژه «حق» و «بشر» ترکیب شده، تبیین معنای آن وابسته به تبیین مفاهیم حق و بشر است. اختلاف نظر درباره ماهیت حق و حقیقت بشر، دستیابی به تعریف و تفسیر جامع از حقوق بشر را نیز دشوار ساخته است. هویت مشترک همه تعریف‌های مربوط به حقوق بشر را می‌توان این گونه بیان داشت که



حقوق بشر مربوط به انسان بما هو انسان است و در برخورداری از آن جز انسان بودن، هیچ‌گونه قیدی لحاظ نمی‌گردد، لکن به دلیل اختلاف نظر در چیستی «حق» و «حقیقت انسان»، این حقوق به صورت‌های گوناگون تفسیر شده است. چنان که وجود تفسیرهای مختلف از آن، سبب شده تا مفهوم این حقوق در یک اصطلاح خاص، تنها بر حقوق بشر مدرن اطلاق گردد. (محسنی و طالبی، ۱۳۹۷: ۵-۲۷)

در نظام بین‌الملل حقوق بشر اشخاص، صاحب حق به شمار می‌روند. (سید آقایی، ۱۳۸۱) این ایده که نظام حقوق بشر بیانگر و گاه اعطا کننده حق به انسان‌هاست. این تفسیر مضیق از متون حقوق بشری را مردود می‌سازد که هر دولتی موظف است منحصرًا حقوق بشر را نسبت به اتباع خود رعایت کند. اما آیا به موجب حقوق بشر دوستانه انسان‌ها صاحب حق محسوب می‌شوند؟ (ممتاز و قربان نیا، ۱۳۸۵: ۳) اما آنچه امروزه در جهان ما شاهد آنیم نشان از بی توجهی سیاست‌مداران عالم به آموزه‌های انبیا و اولیا الهی می‌باشد و همین است که روز بروز شاهد جنایات و کشتار عظیم مردم بی‌دفاع و ضعیف در سرتاسر گیتی می‌باشیم اما آنچه در حال حاضر بیشتر نمود دارد و بخصوص بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، هجوم گسترده و بی‌رحمانه غرب و در رأس آن‌ها آمریکا به کشورهای اسلامی و نشانه رفتن تیغ دشمنی خود با این کشورهاست و این در حالی است که کشورهای غربی دم از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند و ما هر روز شاهد قتل و جنایت و غارت در عراق و افغانستان و فلسطین و جاهای دیگر که این زور مداران عالم به آن دست گذاشته‌اند هستیم. با این وجود دین اسلام بعنوان یکی از ادیان الهی در هیچ دوره‌ای از تاریخ نسبت به وظایف انسانی غافل نبوده و در هر زمان به ظلم ستیزی و دفاع از حقوق مظلومان جهان پرداخته شده است.

این مقاله به بررسی جایگاه حقوق بشر اسلامی در ارتقای حقوق شهروندی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا تأثیرات مثبت این حقوق بر بهبود وضعیت حقوق شهروندی در جوامع اسلامی را نشان دهد. با تحلیل اصول و مبانی حقوق بشر اسلامی، می‌توان به درک بهتری از این مفاهیم و نقش آن‌ها در توسعه عدالت اجتماعی و ایجاد جوامعی همبسته و پایدار رسید.



۲- جهان شمولی حقوق بین الملل دینی و تعدد ادیان و تنوع جهان بینی ها

در مورد مبنای دینی نظریه حقوق بین الملل ایراداتی وجود دارد که برخی از آن ها عبارتند از: مردم جهان از لحاظ عقاید دینی یکپارچه نیستند و دین واحدی بر آنان حکومت نمی کند. علاوه بر این، همه مردم جهان در زمره معتقدان ادیان نیستند. بنابراین نظریه دینی حقوق بین الملل در بهترین حالت آنکه عصاره تمام ادیان روی زمین باشد نیز، از جهان شمولی کامل برخوردار نخواهد بود.

در پاسخ باید گفت: بحث حقوق بین الملل، بحثی است به دنبال شناسایی حقوق «انسان از آن جهت که انسان است.» انسان موصوف به: مسلمان، مسیحی، یهودی، ترک، فارس، عرب، ایرانی، آمریکایی، سفید، سیاه و سرخ و... هیچ کدام موضوع حقوق بین الملل نیست. موضوع حقوق بین الملل، انسان فارغ از همه این اوصاف و ویژگی هاست: انسان از آن جهت که انسان است. انسان فرامنطقه ای، فرافرهنگی و فرادینی و نسبت به دین ماهیت پیشینی دارد که می تواند متدین باشد یا نامتدین، مسلمان باشد یا نامسلمان. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

ویژگی دیگر حقوق بین الملل این است که به دنبال جهان شمولی است تا بتواند در تمام دنیا مورد پذیرش باشد. (شریفیان، ۱۳۸۰) همه بتوانند به آن استناد کنند، همه دولت ها موظف به اجرای آن باشند و همه آن را طلب کنند. در یک کلام، حقوقی که بتواند مبنای یک گفتمان جهان گستره به حساب آید. سؤال اساسی این است که راهکارهای دستیابی به چنین حقوقی، که مقدمه تفاهم عام جهان شمول باشد، چیست؟ دیدگاه های مختلفی ممکن است در این رابطه مطرح باشد:

برخی بر این عقیده اند که «توافق جهانی بر حقوق بین الملل تنها یک راه دارد و آن راهی است که اعلامیه جهانی بر آن گام نهاده است- یعنی صرف نظر کردن از توافق بر سر مسایل فلسفی یا دینی مربوط به انسان و چنین توافقی هیچ گاه حاصل نخواهد شد.» اعلامیه حقوق بشر راه حل یک توافق عملی اجتناب ناپذیر برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان در هر شرایط و بدون هیچ استثنا و تبعیض را نشان می دهد و کاری به اختلاف نظرهای موجود در انسان شناسی فلسفی و دینی قدیم و



جدید ندارد. از همه مهم تر اینکه چنان که رنه کاسن گفته: حقوق بشر در ارتباط انسان با انسان معنا و اعتبار دارد و نه در ارتباط انسان با خداوند (شبستری، ۱۳۷۹، ۲۲۷)

در بررسی این دیدگاه باید گفت: اولاً، در این دیدگاه نگرش انسان شناختی دین لغو محسوب می‌شود، به این معنا که دیدگاه دین در عرصه انسان شناختی حتی برای گروندگان به آن دین قابل استناد و پذیرش نخواهد بود. ثانیاً، با غیردینی کردن و فلسفه زدایی از عرصه تفسیر انسانیت، راه یک توافق عام و جهانی برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان هموار نمی‌شود. چرا که این دیدگاه واقعیتی به نام دین و فلسفه را نادیده می‌انگارد. در واقع، اساساً تکریم انسان و باور به اصالت وی در ذهنیت آدمیان و دولت‌ها تنها در پرتو مبنای فلسفی میسر است. این حقیقتی است که اعلامیه نمی‌تواند و نتوانسته خود را از آن برهاند. ثالثاً، برتری انسان بر حیوان و تسلط بر او و بهره برداری انسان از طبیعت و محقق دانستن خود در این بهره برداری خود مبنی بر مقدماتی فلسفی است. بنابراین، چگونه می‌توان بر ذی حق بودن انسان در صحنه اجتماع و محور قرار دادن وی بر تعاملات اجتماعی بدون اتکا بر پایه‌های فلسفی اصرار ورزید؟ رابعاً، علاوه بر اینکه این اعلامیه در خود از نوعی تناقض رنج می‌برد و آن برای رسیدن به جهان شمولی حقوق بین‌الملل، دین و دین مداران طرد می‌کنند! در واقع، می‌توان گفت: جهان شمولی بر اساس این نگرش در یک جهان کاملاً سکولار قابل اجرا و تحقق است و امکان بروز و ظهور یک جامعه غیر سکولار در عرصه بین‌الملل عملاً منتفی خواهد بود. راه جهان شمول سازی بر اساس این نگرش نفی کثرت‌ها است. در حالی که، معضل اصلی این بود که با تعدد ادیان و مذاهب و با وجود متدینان و غیرمتدینان چگونه می‌توان به حقوق بین‌الملل جهان شمول دست یافت؟

۳- دین و حقوق بشر

برخی از نظریه پردازان غیرمذهبی، آموزه‌های دینی را که به امور قطعی و مقدس می‌پردازد و مبتنی بر تعبد است، با امور عقلی که بنیاد حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، معارض می‌دانند. همچنین عقیده دارند حقوقی که با فرمان الهی اعطا می‌شود، باید



بسیار عام و انتزاعی باشد (مانند حق حیات و آزادی) که بتوان آنها را در هزاران سال تاریخ بشر اعمال کرد، اما حقوق بشر معاصر پر شمار و جزئی اند؛ مانند حق آموزش، مسکن، اوقات فراغت و جز آن. انتساب حقوق بشر به فرمان های الهی، حقوق بشر را تضمین نمی کند، زیرا کافی است که بخشی از مردم به خدا یا به یک شریعت یا بخشی از آن اعتقاد نداشته باشند و مشکل روی گردانی از فرمان الهی یا اجبار به آن توسط معتقدان به یک شریعت پیش آید.

در اینجا تنها اشاره به یک ملاحظه ضروری است که الهیاتی بودن حقوق لزوماً با عقلانی بودن آن معارض نیست. چنان که در بحث مستقلات عقلیه در اصول فقه (مبانی و فلسفه فقه) در اسلام گفته می شود که هر چه حکم عقل باشد، حکم شرع نیز هست و سیره عقلا از ملاک های استنباط احکام الهی است و عدالت (به مفهومی که خرد جمعی درک می کند) مقیاس دین است، نه دین مقیاس عدالت. نظریه کانت نیز شباهت وافر به این دیدگاه دارد. در میان متفکران مسلمان نیز در برابر آن دسته از فلاسفه مذهبی و مسلمان که معتقد به فطری بودن حقوق بشرند، برخی اندیشمندان مسلمان دیگر معتقدند که منبع حقوق بشر نفسانی است و انسان به عنوان موجودی ناتمام و ناقص قادر به تشریح نیست و فقط از منبع وحی می توان برای انسان قانون گذاری کرد (جوادی آملی، جم). این مسئله یکی از کانون های نزاع اسلام و حقوق بشر است که توسط روشن فکران مذهبی مورد بحث قرار گرفته است و آنان به نفع طبیعی بودن یا اخلاقی و جهان شمول بودن حقوق بشر رأی می دهند.

۴- دیدگاه اسلام در خصوص حقوق بشر

در مقابل، دیدگاهی وجود دارد که در قرآن کریم به عنوان دیدگاه مورد توافق میان پیروان ادیان پیشنهاد شده است:

«ای پیامبر به اهل کتاب بگو بیا بید بر محور کلمه ای که بین ما و شما مشترک است گردیم آیمیم که جز خدا را نپرستیم و با او کسی را شریک نسازیم و یکدیگر را به جای خدا ارباب خود نسازیم و اگر چنانچه این دعوت را اجابت نکردند با آنان بگو بید که شاهد



باشید که ما مسلمان هستیم.» (آل عمران: ۶۴)

در این آیه محور پیشنهادی برای توافق جهانی میان پیروان ادیان در موضوع حقوق بین‌الملل بر دو عنصر استوار است که مصداق «کلمه سواء» میان آنان به حساب می‌آید:

۱- نفی شرک

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این دیدگاه توافقی که در اعلامیه جهانی بر آن تأکید شده است، یعنی توافق بر نادیده گرفتن خدا اساساً توافقی نامشروع است. به یقین این امر با جوامع دینی و اسلامی غیرقابل پذیرش است. در اسلام همچون وفاق بر غصب، وفاق بر واگذاری جایگاهی که اختصاص به خداوند دارد به دیگری، یعنی «محوریت» برای تعاملات اجتماعی، از اساس فاقد مشروعیت است.

۲- نفی سلطه

از سوی دیگر، می‌توان از این آیه الهام گرفت که در رابطه میان جوامع، اعم از دینی و غیر دینی و در روابط میان همه اعضای جامعه بین‌المللی باید «کلمه سواء» را کشف کرده و به عنوان محور وفاق میان ملت‌ها به حساب آورده شود: یعنی «اصل نفی سلطه و احترام متقابل»- اصلی که می‌تواند سلامت روابط میان همه انسان‌ها را تضمین نماید. این اصل قرآنی در روابط ملت، جامعه ملل، سازمان ملل متحد و یا در منشور ملل متحد و دیگر اسناد مهم بین‌المللی، از نظر تئوریک به عنوان مبنای روابط میان ملت‌ها تأکید شده است.

در ذیل آیه‌ای که اشاره شد، آمده است: (فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ)- یعنی اگر از توحید اعراض کردند و روی برتافتند، آنان را بر اسلام خود گواه بگیرید و هرگز به استحاله خود در فرهنگ الحادی تن ندهید و بر محور بعدی برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز مراجعه و تأکید کنید که عبارت از اصل نفی سلطه و روابط میان ملت‌ها بر اصل احترام متقابل است.

بی تردید حق حیات شایسته، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه، حق مساوات در مقابل قوانین، مبانی حقوق بین‌الملل اسلامی را تشکیل می‌دهند که در این قسمت مختصراً به برخی از آنها پرداخته می‌شود:



۴-۱- حق حیات شایسته

الف) حیات عطای خداوندی است و حق حیات برای همه انسان‌ها تضمین شده است و همه دولت‌ها و جمعیت‌ها و افراد مکلفند به حمایت و دفاع از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و وارد شدن هرگونه اخلال بر بقای طبیعی آن، مانند بیماری‌ها و بلاهای طبیعی و انسانی و جایز نیست جدا کردن هیچ روحی از بدن بدون مقتضی شرعی.

ب) استفاده از هر وسیله برای نابودی چشمه‌سار حیات بشری، اعم از کلی و جزئی، حرام است.

ج) حفظ حیات بشری تا هر زمان که خدا بخواهد واجب است، خواه محافظت از خود در مقابل دیگران باشد و یا تعدی بر خویشان.

د) قیام علیه کسی که دیگری را مورد استضعاف قرار داده، واجب است
ه) و...

۴-۲- منع قتل و شکنجه

در حالت جنگ و نزاع‌های مسلحانه جایز نیست کشتن کسانی که در جنگ و نزاع شرکت نکرده‌اند، مانند کهن سالان و زنان و کودکان، مجروحین و بیماران حق دارند که معالجه شوند و اسیر حق دارد که اطعام شود و مسکن و پوشاک داشته باشد و مثله کردن کشته شدگان حرام است و جایز است تبادل اسیران و اجتماع خانواده‌هایی که موقعیت‌های جنگی آنان را از همدیگر جدا کرده است به مقتضای احکام شرع. (لازم بذکر است این ماده در اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه غرب وجود ندارد.) هیچ انسانی را نمی‌توان شکنجه بدنی یا روانی یا هر نوع آزارهای موجب ذلت و قساوت بار یا مخالف کرامت انسانی نمود و این جایز نیست. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

۴-۳- آزادی

جایز نیست گرفتن و بازداشت کردن انسان یا مقید ساختن آزادی، یا تبعید، یا کیفر دادن او بدون علت شرعی و نیز ممنوعیت قرار دادن یک انسان در معرض آزمایش‌های طبی و علمی نیز به "حق آزادی" مربوط می‌شود که البته در مواردی که انسان اجازه بدهد و این امر برای پزشکی مفید باشد مانعی ندارد. (جعفری، ۱۳۸۰، ۱۴۴-۱۵۴)



۵- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یکی از هنجارهای اجتماعی است که زندگی جمعی صلح آمیز، رضایت‌بخش و آرامی را ممکن می‌سازد. این نوع از عدالت در برگیرنده نهادهای حقوقی، حکومتی و قانون‌گذار است و در عدالت بین‌المللی «رابطه حکومت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر» بازتاب می‌یابد که در کمک‌ها و یاری‌های اقتصادی و غیره خود را نشان داده و به تاسیس حکومت جمهوری فدرال جهانی می‌انجامد. عدالت اجتماعی با عدالت سیاسی هم‌سنگ است. عدالت میان نسل‌ها، عدالت در رابطه با همسایگان، عدالت نسبت به محیط زیست، بخش‌های دیگری از عدالت اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

۵-۱- عدالت اجتماعی، هم علت حدوث و هم علت بقاء

از نظر استاد مطهری عدالت اجتماعی، هم علت حدوث و هم علت بقاء انقلاب اسلامی است. او می‌گفت: «تاکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.»

ایشان اصلی‌ترین انحراف حکومت در صدر اسلام را فاصله گرفتن از عنصر عدالت می‌دانست و برای مثال معتقد بود: «یکی از نقطه ضعف‌های اساسی قوم و خویش بازی بود؛ آنهم قوم و خویشی که در دوره جاهلیت با گونه‌ای از اشرافیت خو گرفته بودند. دیگر اینکه از بیت‌المال بخشش‌های فوق‌العاده بزرگی انجام می‌شد و به اصطلاح امروز پرداخت‌ها برحسب ارقام نجومی بود. به این ترتیب در عرض ده، دوازده سال ثروتمندانی در جهان اسلام پیدا شدند که تا آن زمان نظیرشان دیده نشده بود. از نظر سیاسی هم باز پست‌ها و مقامات در میان همان اقلیت تقسیم می‌شد و می‌چرخید.»

اما در نقطه مقابل علی‌علیه‌السلام بود: «او حکومت را برای اجرای عدالت می‌خواست و همین شدت عدالت خواهی بالاخره منجر به شهادتش شد. دوره خلافت برای علی علیه‌السلام از تلخ‌ترین ایام زندگی او به حساب می‌آید، اما از نظر مکتبش او موفق شد بذر عدالت را در جامعه اسلامی بکارد. اگر علی علیه‌السلام به جای آن دوره کوتاه، بیست سال خلافت می‌کرد در حالیکه نظام زمان عثمان همچنان باقی می‌ماند امروز نه اسلام



باقی مانده بود، نه علی علیه السلام، نه نهج البلاغه و نه اسمی از عدالت اسلامی. علی هم خلیفه‌ای می شد در ردیف معاویه!

آنچه استاد شهید از این تحلیل نتیجه می گیرد، این است که: ”روش علی علیه السلام به وضوح به ما می آموزد که تغییر رژیم سیاسی و تغییر و تعویض پست‌ها و برداشتن افراد ناصالح و گذاشتن افراد صالح به جای آنها بدون دست زدن به بنیادهای اجتماع از نظر نظامات اقتصادی و عدالت اجتماعی، فایده‌ای ندارد و اثربخش نخواهد بود.“ (مطهری، ۱۳۵۸: ۳)

۵-۲- یکی از شاخصه‌ها؛ تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه

از دیدگاه وی یکی از شاخصه‌های تحقق عدالت اجتماعی، تساوی همه افراد در برابر قانون و دادگاه است و رانت خواری قضایی نشانه دور شدن انقلاب ما از اهداف و شعارهای اولیه است. آن روز که صاحبان قدرت و اطرافیان آنها در برابر احکام جزایی و حدود الهی حاشیه امن پیدا کنند و با تمسک به بهانه‌های دروغینی چون ”مصلحت“، قانون در پای ”منفعت“ افراد و جناح‌ها قربانی شود، زنگ خطری به صدا در آمده است که نشنیدن آن نابودی همه چیز را در پی خواهد داشت. آنچه موجب هلاکت ما است اجرای عدالت نیست، فدا کردن آن برای ”منفعت“ خویش، اما به نام ”مصلحت“ جامعه است.

شنیدن این داستان از زبان شهید مطهری عبرت آموز است که ”در سال فتح مکه، زنی مرتکب جرمی شده بود که باید مجازات می شد. اتفاقاً این زن که دزدی کرده بود، وابسته به یکی از خانواده‌های بزرگ و جزو اشراف طراز اول قریش بود. وقتی بنا شد حد درباره‌اش اجرا شود و دستش را قطع کنند، غریو از خاندان زن برخاست که: ای وای این ننگ را چگونه تحمل کنیم. دسته جمعی به سراغ پیامبر رفتند و از او درخواست کردند که از مجازات زن صرف نظر کند. فرمود: هرگز صرف نظر نمی کنم. هر چه که واسطه و شفیع تراشیدند پیامبر ترتیب اثر نداد. در عوض مردم را جمع کرد و به آنها گفت: می دانید چرا امت‌های گذشته هلاک شدند؟ دلیلش این بود که در این گونه مسائل تبعیض روا داشتند. اگر مجرمی که دستگیر شده بود وابسته به یک خانواده بزرگ نبود و شفیع و واسطه نداشت او را زود مجازات می کردند. ولی اگر مجرم شفیع و



واسطه داشت، در مورد او قانون کار نمی کرد. خدا به همین سبب چنین اقوامی را هلاک می کند. من هرگز حاضر نیستم در حق هیچ کس تبعیضی قائل شوم.“

مطهری داستان دیگری را هم نقل می کند تا معلوم شود برخی، تا چه اندازه از آموزه های اسلامی فاصله گرفته اند. ”مشهور است در وقتی که عمروعاص حاکم مصر بود، روزی پسرش با فرزند یکی از رعایا دعواش می شود، در ضمن نزاع پسر عمروعاص سیلی محکمی به گوش بچه رعیت می زند. رعیت و پسرش برای شکایت پیش عمروعاص می روند، رعیت می گوید پسرت به پسر من سیلی زده و طبق قوانین اسلامی ما آمده ایم تا انتقام بگیریم. عمروعاص اعتنائی به حرف او نمی کند و هر دو را از کاخ بیرون می کند. رعیت غیرتمند و پسرش برای دادخواهی راهی مدینه می شوند و یکسر به نزد خلیفه دوم می روند. در حضور خلیفه رعیت شکایت می کند که این چه عدل اسلامی است که پسر حاکم، پسر مرا سیلی می زند و حق دادخواهی را هم از ما می گیرد.“

۵-۳- شاخصه دیگر؛ نفی ویژه خواری

نقض عدالت اجتماعی در بخش بهره مندی از منابع مالی کشور که امروز به رانت خواری اقتصادی نیز مشهور است، از دیگر مفساد بنیادینی است که به نظر مطهری بدون تغییر آن تلاش های انقلاب بی نتیجه خواهد ماند. او باز هم از علی علیه السلام مثالی می آورد که در نامه ۴۵ نهج البلاغه می فرماید: ”آیا از خویشتن به این خرسند باشم که مرا امیر مومنان بنامند، اما در ناگواری های مردم هم نفس نباشم؟“. استاد با تحلیل این نامه استنباط می کند که: ”امام می گوید: القاب و عناوین چه ارزشی دارد؟ مرد انقلابی اساساً پای بند القاب و عناوینش نیست. چقدر باید کوچک بود که به این لقبها دلخوش کرد و در سختی های مردم شرکت نکرد.“ (اشرفی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

البته زهد مالی مسئولان، به تنهایی کافی نیست. آنان یا نباید عهده دار حکومت علوی شوند یا اینکه علاوه بر خود مانع بهره مندی های نزدیکان و فرزندان خود نیز باشند؛ بهره مندی هایی که به ظاهر مشروع و قانونی است اما دست دیگران از آن کوتاه است و اینان تنها به دلیل نسبت و قرابت و رابطه خویش از آن برخوردارند.

”درباره علی (ع) نقل می کنند که روزی گردنبندی به گردن دخترش دید، فهمید که



گردنبند مال او نیست، پرسید این را از کجا آورده‌ای؟ جواب داد؛ آنرا از بیت‌المال "عاریه" مضمونه" گرفته‌ام یعنی عاریه کردم و ضمانت دادم که آنرا پس بدهم. علی فوراً مسئول بیت‌المال را حاضر کرد و فرمود تو چه حقی داشتی این را به دختر من بدهی؟ عرض کرد یا امیرالمؤمنین این را به عنوان عاریه از من گرفته که برگرداند، فرمود به خدا قسم اگر غیر از این می‌بود دست دخترم را می‌بریدم."

استاد پس از ذکر این قضیه می‌گوید: "این حساسیت‌هایی است که ائمه و پیشوایان ما - که اسلام مجسم و معلم راستین اسلام اصیل بوده‌اند - در زمینه عدالت اجتماعی از خود نشان دادند. انقلاب اسلامی ما نیز اگر می‌خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی بجز اعمال چنین شیوه‌ها و بسط روش‌های عدالت‌جویانه و عدالت‌خواهانه در پیش ندارد."

۴-۵- جنبش عدالت خواهی؛ رمز انتظار

عدالت بالاترین آرزوی بشریت است و رمز انتظار ظهور هم همین است. برای همین است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار می‌کنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر می‌کنیم، این است: "این المعد لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت والعوج، این المرتجی لازالة الجور والعدوان" - یعنی دل بشریت می‌تپد تا آن نجات‌بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند - بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمان‌های گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند.

این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل‌یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر می‌کنید، یکی از برجسته‌ترین آن خصوصیات این است که "الذی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا". انتظار، این است که او همه عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر کند. در روایاتی هم که درباره آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است."



ایشان با تاکید بر اینکه «اولین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است» از اینکه «مجموعه بزرگی از نخبگان که سر رشته کار هم در دنیا در دست آنهاست، اسیر یاس و ناامیدی‌اند و این یاس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز می‌کنند» انتقاد کرده و انقلاب اسلامی مردم ایران را نمونه‌ای از خیزش‌های عدالت طلبانه معرفی می‌کنند؛ مطالبه‌ای که هیچ‌گاه کهنه و فراموش نخواهد شد. (اشرفی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

۶- مفاهیم کلی قوانین انسان دوستانه بین‌المللی در اسلام

پس از ذکر مقدمات و کلیات به‌تراست از شیوه و روش حقوق‌دان سوئیسی، جین پیکتت، پیروی کنیم. در آغاز کار، هماهنگ با قوانین انسان دوستانه بین‌المللی کنونی که متأثر از مکتب حقوق اثباتی است، به تبیین قواعد انسان دوستانه بین‌المللی در اسلام خواهیم پرداخت. تخاصم مسلحانه، یا به عبارت دیگر جنگ، در جهان اسلام به دو مقوله کلی تقسیم شده است: جنگ‌های داخلی و به قول ماوردی «جنگ برای مصالح» و دیگر جنگ‌هایی که علیه مشرکین و کفار صورت می‌گیرد. بخش اول تحت عنوان «جنگ‌های غیر بین‌المللی» و بخش دوم تحت عنوان «جنگ‌های بین‌المللی» جای می‌گیرد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۷۲)

۶-۱- تخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی (جنگ داخلی یا جنگ مصالح)

برای روشن تر شدن موضوع لازم است قدری در خصوص انواع مختلف جنگ‌های مصالح عمومی سخن گفته شود:

۱) جنگ علیه سارقان مسلح و راهزنان: سارقان مسلح و راهزنان، افراد فاسدی هستند که سلاح به دست گرفته، با راهزنی، مردم را به قتل می‌رسانند، اموال آن‌ها را می‌برند و در جریان آمد و شد و سفر اخلال می‌کنند. بدیهی است در این خصوص از جنگی سخن می‌گوییم که در محدوده «حقوق بین‌الملل» قرار می‌گیرد؛ یعنی قوانینی که ناظر بر حقوق انسانی در زمان صلح است، نه قوانین انسان دوستانه بین‌المللی که حقوق انسان را در زمان جنگ تعیین می‌کنند.



۲) جنگ علیه شورشیان (باغیان) و خوارج متمرّد: باغیان و خوارج، مسلمانانی هستند که علیه امام (حاکم) قیام کرده، با جامعه به مخالفت و تعارض برخاسته‌اند و از شیوه و مکتبی بدعت آمیز و نکوهیده پیروی می‌کنند.

اگر این شورشیان و باغیان، در حالی که با سایر مومنان وفادار مختلط هستند شورش خود را بروز دهند، بر حاکم اسلامی (امام) فرض است که موضع غیراصولی و فساد عقیده‌شان را به آنها متذکر گردد تا به راه راست بازگشته، با جامعه مسلمانان همراه گردند. موضعی که در قبال شورشیان اتخاذ می‌شود، در واقع همانند موضعی است که علیه احزاب و گروه‌های مخالف اتخاذ می‌شود؛ یعنی تا زمانی که مخالفت آنان با اعمال خشونت‌آمیز یا توسل به قوه‌ی قهریه توأم نباشد، در اظهار عقاید خود کاملاً آزاد هستند؛ اما هرگاه به هر یک از دو عمل یاد شده، توسل جویند، امام حق دارد آن‌ها را مجازات کند و بدیهی است این امر، ارتباطی با قوانین انسان دوستانه بین‌المللی ندارد.

۳) جنگ علیه مرتدین: جنگ علیه مرتدین در واقع جنگ علیه آنانی است که قبلاً اسلام آورده‌اند، لکن بعد از اسلام روی بر تافته‌اند. درباره این افراد رسول الله (ص) فرمود: «هر که دین خود را تبدیل می‌کند، به قتل برسانید». ایشان همچنین فرمود: «خون هیچ مسلمانی را نمی‌توان ریخت، بجز در سه مورد: کفر بعد از ایمان، زناى محصنه، کشتن یک انسان نه از روی قصاص». رابطه بین این نوع جنگ و قوانین بین‌المللی را حقوق بشر تعیین می‌کند، یعنی آن دسته از موازینی که حقوق انسانی را به زمان درگیری مسلحانه بین یک دولت با دولت دیگر است. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

اما هرگاه مرتدین به یک سرزمین غیراسلامی وارد شوند که دسترسی به آنان مقدور نباشد و در آنجا حکومتی تشکیل دهند و بخواهند بر خاک اسلامی حکم‌روایی کنند، به لحاظ ارتداد، باید با آنها جنگید. البته جنگ علیه آنان به دنبال اعلان و هشدار صورت می‌گیرد، درست همان‌طور که در مورد جنگ با دشمنان خارجی عمل می‌شود. با این همه، چهار تفاوت بین جنگ با این‌گونه مرتدین و جنگ با دشمنان خارجی وجود دارد: ۱. به هیچ وجه مذاکره صلح صورت نمی‌گیرد و با آنان در سرزمین خودشان منعقد نمی‌شود، در حالی که با دشمنان می‌توان قرارداد صلح منعقد کرد.



۲. با مرتدین بنا به لحاظ مالی به هیچ وجه مصالحه و سازش جایز نیست، در حالی که در این خصوص با دشمنان خارجی معنی وجود ندارد.
 ۳. مرتدین را نمی‌توان به بردگی گرفت و زنان آنان را اسیر کرد که البته در این مورد بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.
 ۴. اموال مرتدین جزء غنایم محسوب نیست، حال آنکه رزمندگان فاتح می‌توانند از دشمنان خارجی غنیمت بگیرند. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۷۳-۸۰)
- ۶-۲- تخاصمات مسلحانه بین‌المللی

در بررسی تخاصمات مسلحانه بین‌المللی، ابتدا به تبیین قواعد و قوانین انسان دوستانه بین‌المللی در رابطه با این نوع تخاصمات پرداخته، اصول مهم آن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. اگر چه ممکن است حمل بر کلی گویی شود، لیکن می‌توان اذعان کرد که تمام اصول اثباتی، برگرفته از مفهوم مهم و عام‌الشمولی است که در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) آمده است: «تنها هدف مشروع دولت‌ها از جنگ باید تضعیف قوه و اقتدار ارتش دشمن باشد». در نتیجه آنچه در محدوده این هدف قرار می‌گیرد، با قوانین انسان دوستانه بین‌المللی تعارضی ندارد؛ حال آن که آنچه ورای آن و مغایر با عرف بین‌المللی یا مفاد معاهدات باشد، در واقع تجاوز از آن چیزی است که به موجب پروتکل دوم «تخطی از اصول انسانیت و موازین وجدان عمومی» خوانده شده است. در این خصوص در قرآن کریم آمده «آنان که با شما به ستیز برمی‌خیزند، با آنان جنگ کنید، اما از حدود و موازین معینه تجاوز نکنید، که خدا خطاکاران را دوست ندارد». به این ترتیب خداوند، تجاوز از اهداف مشروع را در جنگ منع فرموده و تخطی از آن را خطا محسوب کرده است. آیه شریفه یاد شده صراحتاً هدف از جنگ را دفع تجاوز دشمن اعلام کرده است.

از رسول الله (ص) منقول است: زمانی که دولت مقتدر با دولت ضعیفی به جنگ پرداخت و خداوند دولت ضعیف را نصرت فرمود تا بر دشمن پیروز شد، لیکن دولت غالب، دولت مغلوب را سرکوب و ذلیل کرد و از پیروزی خود سوءاستفاده کرد، از این رو خشم خداوند تا روز جزا بر آنان نازل خواهد شد. این امر بین اصل کلی و بنیانی برای



بسیاری از قوانین است که حسب آن، رفتار و آزادی دولت‌ها محدود می‌گردد. ما این قوانین را تحت این عناوین بررسی می‌کنیم: به کاربردن سلاح، رفتار با دشمن در جنگ و سلوک با اسرای جنگی.

(۱) به کاربردن سلاح: اندیشه انسان دوستانه همواره بر آن است تا از میزان سببیت و وحشیگری در جنگ‌ها بکاهد و با هدف کاستن از موارد بی‌رحمی در منازعات، حق انتخاب سلاح را محدود می‌سازد و به کاربردن سلاحی را که رنج و درد ناهنجار ایجاد می‌کند منع می‌کند. با این همه هنوز قانون جامعی در این باره وضع نشده و قواعد کلی که برای تحقق آن اهداف وضع شده‌اند نیز ناقص و نارسایند. (اشرفی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

(۲) تمیز رزمنده از غیر رزمنده: در تعالیم اسلامی در رابطه با سلاح، هدف دیگری نیز مورد توجه است و آن اینکه "استفاده بدون هدف از سلاح که هم ممکن است به رزمنده متخاصم و هم به غیر رزمنده و احتمالا به اهداف نظامی بدون تشخیص و تمایز اصابت کند ممنوع است." بنابراین، هر رزمنده‌ای با دو تکلیف مواجه است: اول آنکه رزمنده را از غیر رزمنده تمیز دهد و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم اینکه مواضع نظامی را از غیر نظامی تمیز بدهد و در این مورد نیز هدف او حمله به موضع اول باشد. هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را هدف قرار دهد و این امر در حدیثی از رسول ا... (ص) به این شرح تأیید شده است: "پیامبر در پایان یکی از غزوات ملاحظه کردند که عده‌ای تجمع کرده‌اند. ایشان کسی را مأمور بررسی علت آن امر کردند. مأمور بازگشت و به رسول الله (ص) گفت: علت آن کشته شدن یک زن است. رسول ا... (ص) فرمودند: چرا او را کشته‌اند در حالی که قطعاً او (زن) نمی‌توانسته در حال جنگ باشد؟"

(۳) رفتار با دشمن در جنگ: در این قسمت هم به اعمالی می‌پردازیم که با دشمن در حین جنگ انجام می‌شود. اولین قانون انسان دوستانه بین‌المللی مقرر می‌دارد که هر رزمنده باید از کشتن مجروحان و بیماران و شکنجه کردن و دست زدن به رفتار موهن با دشمن خودداری کند و زمانی که دشمن یا بواسطه از کار افتادن سلاحش و یا تسلیم شدن قادر به ادامه جنگ نباشد، از کشتن او بپرهیزد. این اصل بنیانی قوانین انسان دوستانه بین‌المللی در تبصره «ج» ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه در سال ۱۹۰۷ وضع و توسط



ماده ۳۸ از اولین پروتکل و ماده ۷ از دومین پروتکل کنوانسیون ژنو تأیید شده است. در قواعد انسان دوستانه بین‌المللی اسلامی به این اصل در قالب آیات و احادیث متعدد توجه خاصی مبذول گردیده است. ذات باری تعالی به مسلمانان حکم می‌فرماید که با دشمنان به عدالت رفتار کنند: تا زمانی که آنان با شما عادلانه رفتار می‌کنند، شما نیز با آنان عادلانه رفتار کنید. همانا به راستی خداوند تقوا پیشگان را دوست می‌دارد (Lundmark, L. (۲۰۰۵, p. ۲۴)

خداوند همچنین مسلمانان را به صلح ترغیب می‌فرماید: «چنانچه آنان (دشمنان) به صلح راغب باشند، شما نیز صلح کنید و به خداوند توکل کنید». ذات باری هم‌چنین کشتن دشمنی را که سلاح بر زمین نهاده و یا از ادامه جنگ دست شسته منع می‌فرماید: چنانچه آنان از شما اعراض کردند و دیگر با شما پیکار نکردند و پیشنهاد صلح کردند، در این صورت ذات باری به شما اجازه جنگیدن با آنها را نمی‌دهد.

۷- مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه:

این مفهوم در مرتبه نخست مبتنی بر آن دسته از آیات قرآن به ویژه آیات ۱۹۰-۱۹۴ از سوره بقره و آیات ۱۰۲-۱۰۵ و ۱۱۰-۱۰۷ از سوره آل عمران است که به گفتار و کردار پیامبر در دوران عداوت‌ها و دشمنی‌های تحمیل شده بر ایشان مربوط می‌شود و در نهایت مبتنی بر قواعد استنباط شده از اصول اساسی پنج‌گانه نظام حقوقی اسلامی بوده است. حقوق بشر دوستانه اسلامی در زمان‌های جنگ و درگیری‌های مسلحانه، راهنمایی برای رفتار انسانی و اخلاقی با تمامی طرف‌های درگیر ارائه می‌دهد. این حقوق با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، می‌تواند به کاهش خشونت و بهبود وضعیت انسان‌ها در شرایط بحرانی کمک کند. شاید بهترین راه روشن ساختن این مفهوم، به خصوص برای کسانی که با تعالیم اسلام آشنایی ندارند، توضیح آن با توجه به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی باشد. برای این کار از ترتیبی که در پروتکل اول مراعات شده، یعنی بیان قواعد اساسی، شیوه‌ها و روش‌های جنگ، حفظ مردم غیر نظامی و حمایت از اهداف غیر نظامی پیروی خواهیم کرد.



۱. مفهوم حقوق بین الملل بشردوستانه در اسلام شامل برخی قواعد است که بنیادی محسوب می شوند و سراسر نظام حقوقی بشردوستانه اسلام متأثر از آنهاست. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

قبل از همه چیز باید توجه داشت که مفهوم اسلامی مورد نظر بین اقسام جنگ یا مخاصمات مسلحانه فرق نمی گذارد. خواه جنگ برای تبلیغ اسلام یا مطلع کردن مردم از آن باشد و خواه جنبه تدافعی داشته، علیه کافران، دشمنان، منافقان، تفرقه افکنان، یاغیان و شورشیان باشد، قواعد حاکم بر آن یکسان است، زیرا این قواعد منشا الهی دارند و باید بوسیله همه بدون تبعیض و تمایز مراعات گردند. لذا این قواعد تمامی منازعات مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی وجود ندارد.

۲. قسمت سوم نخستین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو شامل قواعدی در مورد روش‌ها و وسایل جنگی و رزمندگان و اسرای جنگی است. این قواعد در کمیته سوم کنفرانس دیپلماتیک در مورد تأیید و انشای حقوق بین الملل بشردوستانه تلقی گردید. (Rushdie, S). (۱۹۹۹), p. ۱۶۸)

لازم به تذکر است که این مقررات در زمان صلح و هنگامی که جنگ فلسفه وجودی خود را از دست داده بود، مورد بحث قرار گرفته است، یعنی زمانی که جنگ دیگر وسیله‌ای ضروری یا صحیح برای حل اختلافات تلقی نمی شد و در افکار عمومی جهان نیز قابل قبول نبود. مع هذا تنظیم مقررات مذکور چهار سال طول کشید و تصویب نامه نهایی که به آنها قدرت قانونی می داد، در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ یعنی سیزده قرن بعد از ظهور اسلام، بامضا رسید. (اشرافی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۷)

با بررسی دقیق معلوم می شود که اغلب مواد قسمت‌های سوم و چهارم پروتکل اول الحاقی بوضوح تحت مفهوم حقوق بین الملل (بشردوستانه) اسلامی جای می گیرد. دیگر مواد این قسمت‌ها بطور مستقیم در این نظام حقوقی اسلامی وجود ندارد. دلیل این امر واضح است، زیرا چنین جزئیاتی به زندگی در جوامع امروزی مربوط می شود. اما جوهر و ماهیت تمامی این مواد در اصول کلی مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه وجود دارد. قواعد مربوط به واقعیت زندگی در جوامع معاصر و آینده باید در چهارچوب



پنج اصل اساسی نظام حقوقی اسلامی مورد بررسی قرار بگیرند. این واقعیات جدید باید بر پایه استنباط (اجتهاد) مورد قبول قرار گیرند و یا رد شوند و این بستگی به تطابق یا تناقض آنها با پنج اصل بنیادین نظام حقوقی اسلامی دارد. به عبارت دیگر، هر مقرر قانونی مربوط به امروز یا فردا که موافق با اصول بنیادین اسلام باشد، خود به خود در نظام حقوقی اسلام وارد، و جزء لاینفک مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلام می‌گردد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۶۲-۱۶۶)

۸- اصول و منابع کلیدی حقوق بشر دوستانه اسلامی:

۸-۱- اصول حقوق بشر دوستانه اسلامی:

۱. کرامت انسانی: در اسلام، کرامت و ارزش انسان‌ها به عنوان مخلوقات خداوند تأکید می‌شود. حفظ و احترام به این کرامت حتی در شرایط دشوار و بحرانی ضروری است.
۲. عدالت و انصاف: اجرای عدالت و انصاف در برخورد با افراد، حتی در زمان جنگ، یکی از اصول اساسی حقوق بشر دوستانه اسلامی است.
۳. حمایت از افراد غیرنظامی: تأکید بر حفظ حیات و امنیت افراد غیرنظامی و جلوگیری از آسیب به آنان در جریان درگیری‌ها و جنگ‌ها. (رک: فتحی، ۱۳۹۷؛ نظری، ۱۳۹۹)
۴. رفتار انسانی با اسرا: برخورد انسانی و احترام‌آمیز با اسرا و زندانیان جنگی، و تأمین نیازهای اساسی آنان.
۵. کمک به مجروحان و نیازمندان: حمایت و کمک به مجروحان، بیماران و نیازمندان بدون توجه به وابستگی‌های دینی و ملی.

۸-۲- منابع حقوق بشر دوستانه اسلامی:

۱. قرآن کریم: قرآن به عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلامی، اصول و مقرراتی برای حفظ حقوق انسان‌ها در شرایط بحرانی ارائه می‌دهد.
۲. احادیث و سنت نبوی: روایات و سنت‌های پیامبر اسلام (ص)، که به عنوان راهنمایی برای رفتار انسان‌ها در شرایط مختلف محسوب می‌شوند.



۳. فقه اسلامی: قواعد و اصول فقهی که توسط علمای دینی برای تفسیر و تطبیق آموزه‌های اسلامی با شرایط جدید تدوین شده‌اند. (رک: فتحی، ۱۳۹۷؛ نظری، ۱۳۹۹)

۹- جلوه‌های حقوق بشر دوستانه در مکتب اهل بیت(ع):

پیامبر اسلام (ص) پس از پایان جنگ احزاب و اسارت یهودیان به دست مسلمانان، فرمودند: به اسیران خود آب گوارا بنوشانید و از غذای نیکو و لذیذ به آنان بخورانید و اسارتشان را نیکو بدارید. (بحار الانوار، ج ۲۰، ۲۳۸) در جایی دیگر به نقل از امام صادق(ع) است که: رسول مکرم اسلام (ص)، از قتل زنان و کودکان در میدان جنگ، منع می‌فرمودند، مگر در صورتی که اقدام به مبارزه کنند که در این حالت هم می‌فرمودند تا جایی که امکان دارد از جنگیدن با آنان پرهیز نمائید. (بحار الانوار، ج ۱۹، ۳۳۵)

۹-۱ حمایت از قربانیان جنگ و رفتارهای ممنوع

رزمنده اسلام، از انهدام جمعی یا تهدید به انهدام جمعی دشمن و نیز سلب حق تسلیم برای دشمن منع شده است. این قاعده عینا در ماده ۴۰ از پروتکل اول و بند یک از ماده چهارم پروتکل دوم در تایید مفاد بند "د" از ماده بیست و سوم کنوانسیون سال ۱۹۰۷ آمده است. بنابراین، حکم اسلامی در این خصوص بر تمامی قوانین یاد شده در بالا تقدم زمانی دارد. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۹۸)

۹-۲- محروم نساختن از آب و غذا:

سنت و سیره ائمه چنان کامل است که می‌فرمایند به اسرای خود آب گوارا بنوشانید. اسلامی که کشتن حیوانات را مگر بضرورت آن منع نموده است چطور می‌تواند انسانی را با بستن آب و غذا برویش مواخذه کند. (خبرنامه ۱، ۱۳۸۴، ۱۰)

۹-۳- برخورد با اسیران جنگی:

هر کس اسلحه بر زمین بگذارد در امان است. (بحار، ج ۴۱، ۱۴۵) هر کس به لشکر امام پناه بیاورد نیز در امان است. (بحار، ج ۵۲، ۳۶۷)

حضرت امیر(ع) وقتی ضربت خوردند به امام حسن(ع) فرمودند: پسرم با اسیر در دستت مدارا بنما و به او رحم کن و او را نیکو بدار و با شفقت و مهربانی با او رفتار



کن. سپس غش کردند. وقتی به هوش آمدند از شیرینی که خودش می‌نوشتید، فرمود به قاتل من که در دست شما اسیر است نیز از این شیر بدهید. همان‌طور که در بحث حقوق بشر از دید اسلام نیز آمد نباید با اسیر خلاف کرامت انسانی برخورد کرد و اسیر حق دارد در صورت زخمی بودن معالجه شود و نیز مورد اطعام و مسکن قرار گیرد. (جعفری، ۱۳۸۰، ۱۵۱)

۱۰- نتیجه‌گیری:

حقوق شهروندی و حقوق بشر از طبیعی‌ترین حقوق انسان می‌باشد که خداوند همزاد با او آفریده است. امام خمینی (ره) حقوق شهروندی را هدیه‌های از جانب پروردگار یکتا به افرادی می‌داند که در دل اجتماع و تحت لوای حکومت واحدی زندگی می‌کنند و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات رسمی و... نمی‌توانند افراد را از این حق طبیعی خود محروم سازند و تفاوت در نوع نژاد، جنس، زبان و... تاثیری در کیفیت و کمیت این حقوق ندارد و همه افراد علی‌رغم تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی آن‌ها از این حقوق برخوردارند.

حقوق شهروندی، حقوق سیاسی و اجتماعی، از قبیل حق آزادی، حق حیات، حق آزادی بیان، آزادی عقیده و منع تفتیش عقاید و... می‌باشد. در دکتترین حقوق بشری امام خمینی (ره) که برگرفته از مبانی دینی و اسلامی است، جایگاه بسیار والایی برای نوع بشر در نظر گرفته شده است و هر عاملی که به این جایگاه خدشه وارد سازد را مورد نکوهش قرار می‌دهند و در بیانات خود حقوق بشر غرب و مدعیان آن را با عباراتی مانند: پایمال‌کنندگان واقعی حقوق بشر، تعدی به بشریت توسط مدعیان حقوق بشر، حقوق بشر در غرب در خدمت ابرقدرت‌ها و... مورد هجمه و انتقاد قرار داده‌اند. به عقیده امام خمینی (ره) آزادی حق اولیه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می‌کند امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. مهم‌ترین مصادیق مشترک میان حقوق شهروندی و حقوق بشر از دیدگاه امام (ره) عبارت است از: حق آزادی، حق عدالت، حق امنیت و... شرط ورود به حقوق شهروندی، مفروض



دانستن بناهای حقوق بشری پیش ساخته است؛ یعنی حقوق شهروندی، عصاره حقوق بشر مورد نظر است و در دل کلیات حقوق بشر جا گرفته است. (چوگانی، وثوق و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵-۳۲)

حقوق بشر اسلامی، با تأکید بر اصول بنیادین عدالت، کرامت انسانی و مساوات، نقش مهمی در ارتقای حقوق شهروندی در جوامع اسلامی دارد. با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های اخلاقی، می‌توان به بهبود وضعیت حقوق شهروندی و افزایش کیفیت زندگی افراد در این جوامع کمک کرد.

نکات کلیدی نتیجه‌گیری:

۱. عدالت و انصاف: حقوق بشر اسلامی بر اجرای عدالت و انصاف تأکید دارد که می‌تواند به ایجاد تعادل و کاهش تبعیض در جامعه منجر شود.
 ۲. کرامت انسانی: احترام به کرامت انسانی یکی از اصول مهم حقوق بشر اسلامی است که زمینه‌ساز حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد است.
 ۳. مساوات: تأکید بر مساوات و برابر بودن همه افراد در برابر قانون می‌تواند به تقویت حقوق شهروندی و انسجام اجتماعی کمک کند.
 ۴. تعاملات اجتماعی و همکاری: حقوق بشر اسلامی با ترویج فرهنگ مشارکت و همکاری بین افراد جامعه، می‌تواند به ارتقای سطح همکاری‌ها و همبستگی اجتماعی منجر شود.
 ۵. پاسخ‌گویی و شفافیت: تأکید بر پاسخ‌گویی و شفافیت در امور حکومتی و اداری می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش داده و ارتباطات بین دولت و شهروندان را تقویت کند.
- در نهایت، حقوق بشر اسلامی به عنوان یک چارچوب جامع و اخلاقی، می‌تواند به ایجاد جوامعی پایدار، عادلانه و همبسته کمک کند که در آن حقوق شهروندی به طور کامل رعایت و محترم شمرده می‌شود. بر همین اساس، بحث علمی و منطقی گسترده و عمیقی در مورد مفهوم حقوق بشر دوازده‌گانه و نگرش اسلام در این خصوص، و نقد و بررسی اصول و موازین اعلام شده به عنوان اصول مسلم و جهان‌شمولی حقوق بشر باید صورت گیرد. در این زمینه باید کسانی که عمیقاً از مبانی اسلامی مطلع‌اند و از قدرت اجتهاد به معنی وسیع و کامل آن برخوردارند و دارای سعه صدر و فارغ از پیش‌داوری‌های غیرعلمی و غیرمنطقی هستند و با مفاهیم و اصطلاحات روز و تجزیه و



تحلیل‌های مربوط به حقوق بشر آشنایی دارند، بحثی جدی بنمایند و نکات مشترک و موارد افتراق را بخوبی روشن نمایند.

اگر اسلام دیدگاه متفاوتی دارد، باید به گونه‌ای که دنیای امروز بتواند درک کند، آن دیدگاه تشریح شود و مزایای آن برای تامین بهتر حقوق ذاتی انسان تبیین گردد. از اصول اعلام شده حقوق بشر در اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی نقد علمی به علمی به عمل آید و بر عدم قابلیت جهان‌شمول بودن تمام آن اصول، استدلال منطقی، ارائه گردد.

مسئولیت حمایت به عنوان آموزه نسل جدید حاکمیت، حمایت از حقوق داخلی شهروندان در جامعه اسلامی، توجه به حق حیات و مولفه‌های آن و مسئولیت برای حمایت از افراد جامعه در برابر تجاوز و تهدیدات خارجی را به عنوان مولفه‌های حقوق بشر در نظام اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. الگوسازی حقوق بشر اسلامی از طریق آموزش شهروندان، تاسیس و راه‌اندازی نهاد ملی حقوق بشر، تعامل و هم‌افزایی درونی و بیرونی دستگاه‌های متولی حقوق بشر اسلامی و تخصیص هزینه‌های لازم برای آموزش و تشریح حقوق نسل جدید از جمله حق بر محیط زیست، حق بر آموزش کودکان و زنان، حق بر سلامتی، حق بر امنیت انسانی و حق بر بهره‌مندی از اطلاعات و آگاهی از جمله راهکارهایی است که حاکمیت در نظام اسلامی می‌تواند در ارتباط با گسترش حقوق بشر به کار گیرد. (پویامنش و گودرزی، ۱۴۰۰: ۳۱۱-۳۳۰)

اما در حال حاضر حقوق بین‌الملل و به معنی اخص حقوق بشر دوستانه ابزاری شده در دست دولت‌های غربی و استعمارگر که علیه کشورهای مخالف آنها و یا آن کشورهای که از زیر یوغ آنها خارج شده‌اند.

”برخورد دوگانه غرب و سازمان ملل با مساله حقوق بین‌الملل و گزینشی عمل کردن آنها، این شبیهه را قویا در ذهن ایجاد می‌کند که اگر دولتی معیارهای غرب را قبول و سیاست خود را با آن هماهنگ نمود همانند آنها می‌تواند ناقض حقوق بین‌الملل باشد و با کمک آن‌ها توجیه سازمان ملل پسندی نیز برای این عمل خود بیابد.

ولی اگر حمایت آن‌ها را عملاً نپذیرد و سیاست خود را با آن‌ها هماهنگ نکند، هر تلاش هم که در زمینه حقوق بشر نماید بحساب نخواهد آمد و این او را از اتهام ناقض حقوق بشری مبری نمی‌کند.



۱۱- منابع:

- قرآن کریم.
- آنتونی پ. و. راجرز، پل مالرب، (۱۳۸۲)، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، انتشارات امیرکبیر، تهران
- اشرافی مرتضی و مجتبی اشرافی، (۱۳۹۵)، بررسی الزامات نگرش نظام مند به کلیت حقوق بشر از دیدگاه اسلام، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی حقوق بشر.
- پتمن یارنا، (۱۳۹۸)، حقوق بشر و دموکراسی: تعیین مرزهای جامعه، نشریه حقوق بشر، شماره پیاپی ۲۷.
- پویامنش سیامند و مهناز گودرزی، (۱۴۰۰)، حقوق بشر و رابطه آن با حاکمیت در نظام اسلامی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره پیاپی ۵۵.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۰)، رسائل فقهی، انتشارات تهذیب، قم
- جوادی آملی، عبد...، (۱۳۸۳)، فلسفه حقوق بشر، چاپ چهارم، انتشارات اسراء، قم
- چوگانی هادی، مهدی وثوق، زهرا قاسمی و فاطمه بیرجندی، بررسی تطبیقی حقوق شهروندی و حقوق بشر با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، نشریه آفاق علوم انسانی، سال دوم شماره ۱۲.
- حسینی، علی. (۱۳۹۸)، حقوق بشر اسلامی و عدالت اجتماعی، انتشارات مرکز تحقیقات حقوق بشر
- رحمانی، حسین. (۱۳۹۵)، مبانی حقوق بشر اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- فتحی، محمد. (۱۳۹۷). حقوق بشر اسلامی در بحران‌های اجتماعی. انتشارات دانشگاه تهران.
- علوی، مهدی. (۱۳۹۶)، اصول حقوق بشر در اسلام، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- صابری، هنگامه، (۱۳۷۸)، ضمانت اجراء در حقوق بشر دوستانه، انتشارات وزارت امور خارجه
- سید آقایی، داود، (۱۳۸۱)، ایران و سازمان‌های بین المللی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- شریفیان، جمشید، (۱۳۸۰)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر



- در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- شبستری، محمد مجتهد، (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، برهان ها و چالش‌ها، راه حل‌ها، انتشارات طرح نو، تهران
 - ثریایی حسین، (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، نشر قومس، تهران
 - کنعانی، محمد طاهر و دیگران، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، چاپ دوم، نشر دالاهو، تهران
 - مجلسی علامه محمد باقر، (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، حقوق بشردوستانه بین‌المللی "رهیافت اسلامی"، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران
 - محسنی محمد سالم و محمد حسین طالبی، (۱۳۹۷)، چیستی حقوق بشر، نشریه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره پیاپی ۳۸.
 - ممتاز جمشید و دیگران، (۱۳۷۷)، حقوق بشر در تحولات بین‌المللی، نشر دادگستر، تهران
 - ممتاز جمشید و ناصر قربان نیا، (۱۳۸۵)، چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه، مجله‌نامه مفید، شماره پیاپی ۵۵.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸)، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا.
 - نظری، احمد. (۱۳۹۹)، فقه اسلامی و حقوق بشر، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
 - Rushdie, S. (۱۹۹۹). *The Ground Beneath Her Feet*. Henry Holt.
 - Malmberg, A. (۲۰۰۳). "Beyond the Cluster: Local Milieus and Global Connections." In J. Peck & H. Wai-chung Yeung (eds.), *Remaking the Global Economy*. Sage Publications.
 - Lundmark, L. (۲۰۰۵). "Economic Restructuring into Tourism in the Swedish Mountain Range." *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, ۱(۵).

